درس ۴۸

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **مکاشفه**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (مکاشفه ۱۹-۲۲) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: یوحنا**

مرور: پنج آیه آخر از انجیل یوحنا را دو نفری مرور کنید.

۴	**بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه)** **خلاصه انجیل یوحنا**

خلاصه‌ای از هر یك از کتاب‌های کتاب مقدس باید حاوی پاسخ به سؤالات زیر باشد:
الف) نویسنده کیست، چه وقت و در کجا آن کتاب نوشته شده و هدف از آن کتاب چیست؟
ب) کتاب را چگونه می‌توان تقسیم بندی کرد و چه عناوینی برای کتاب و هر فصل آن مناسب می‌باشد؟
پ) مهمترین نتایج عقیدتی آن کتاب چیست؟
ت) مهم ترین دروس عملی آن کتاب چیست؟
ث) کاربرد آن کتاب برای روزگار ما و جامعه امروز چیست؟

الف - <u>نویسنده، تاریخ نگارش و هدف از انجیل یوحنا</u>

۱- <u>نویسنده، تاریخ و مکان نگارش</u>

نویسنده خود را «شاگردی که عیسی او را محبت می‌نمود» می‌نامد. این شاگرد همان یوحنای رسول بود. او در مقام شاگرد عیسی این انجیل را نوشت تا بر آنچه دیده و شنیده بود، شهادت دهد. بر طبق گفته ایرنیوس از پدران کلیسا که در سال ۱۷۰ میلادی می زیست، انجیل یوحنا در زمانی نوشته شد که یوحنا در شهر افسس که در ترکیه امروزی است، ساکن بود. انجیل یوحنا بین سالهای ۷۰ و ۹۸ میلادی نوشته شد. اما نمی‌دانیم که آیا پیش از تبعید یوحنا به جزیزه پطمس نوشته شده یا بعد از آن؛ یا پیش از کتاب مکاشفه نوشته شده یا پس از آن.

۲- <u>هدف از نگارش</u>

هدف از نگارش انجیل یوحنا، در یوحنا ۲۰: ۳۰-۳۱ بیان شده است. یوحنا می‌گوید که او این انجیل را نوشت تا خوانندگانش ایمان بیاورند که عیسی همان «مسیحای موعود» (به یونانی: Christ) و «پسر خدا» است؛ و با ایمان آوردن به عیسی مسیح که میانجی یا متوسط بین خدا و انسان است، حیات بیابند.
عیسی مسیح تجلی قابل رؤیت خدای نادیده است (کولسیان ۱: ۱۵). پری الوهیت در شکل جسمانی عیسی مسیح سکونت دارد (کولسیان ۲: ۹). عیسی مسیح درخشش قابل رؤیت جلال خدا (خصوصیات و ویژگی های الهی) و مظهر (یونانی: character) کامل طبیعت و جوهر وجود واقعی و واقعیت (یونانی: Hupostasis) خدا می‌باشد (عبرانیان ۱: ۳). عیسی مسیح نه تنها همان طبیعت خدای زنده و ابدی را داراست و کاملاً با او برابر است، بلکه همچنین طبیعت انسانی را برخود گرفت و به جهانی که خلق کرد و به تاریخ آن وارد شد و در طبیعت انسانی خود غلام و خدمتگزار انسانها گردید و بالاخره برای گناهکاران مرد

(فیلیپیان ۲: ۵-۸). به این دلیل است که او به بالاترین مکان در عالم (یعنی به تخت خدا) بالا برده شد، و نامی را دریافت کرد که بالاتر از هر نام دیگری است (یعنی این عنوان را که "عیسی مسیح خداوند است") و اطمینان اینکه هر زانوئی در تاریخ در برابر او خم خواهد شد و هر زبانی در کائنات اقرار خواهد کرد که او خداوند است (فیلیپیان ۲: ۹-۱۱). به این دلیل است که یوحنا می‌گوید عیسی مسیح خداست (یوحنا ۱: ۱) و طبیعت انسانی بر خود گرفت و در جهان و تاریخ ما سکنی گزید (یوحنا ۱ :۱٤)، تا خدای فوق طبیعی، نادیدنی و غیر قابل ادراک را به انسانها آشکار نماید و او را متجلی سازد (یوحنا ۱: ۱۸)، به این دلیل است که عیسی مسیح گفت که او و خدای پدر یک هستند (یوحنا ۱۰: ۳۰) و هر که او را ببیند، خدای پدر را دیده است (یوحنا ١٤: ۹-۱۰).

ب - تقسیم بندی و عناوین انجیل یوحنا

۱- عنوان انجیل یوحنا

میتوان عنوان زیر را برای کل انجیل یوحنا به کار برد:
«عیسی، مسیح (مسیحای موعود)، کلمه خدا، پسر خدا»

۲- تقسیم بندی انجیل یوحنا

یوحنا را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: یعنی خدمت عمومی و خدمت خصوصی عیسی

الف) خدمت عمومی‌عیسی
این شامل فصل‌های ۱ تا ۱۲ انجیل یوحنا می‌گردد و می‌توان آن را بوسیله دو عید در اورشلیم به ۳ قسمت کوچکتر تقسیم نمود:
۱) یوحنا فصل‌های ۱-٦، وقایع قبل از عید خیمه ها (۷: ۲) را شرح می‌دهد.
۲) یوحنا فصل‌های ۷-۱۰ وقایع بعد از عید خیمه ها را شرح می‌دهد.
۳) یوحنا فصل‌های ۱۰ : ٤۰ الی ۱۲: ۵۰ وقایع بعد از عید تجدید را شرح می‌دهد.

ب) خدمت خصوصی عیسی
شامل فصل‌های ۱۳ تا ۲۱ انجیل یوحنا می‌گردد. این قسمت در طی هفت هفته آخر زندگی عیسی بر روی زمین، به وقوع می‌پیوندد. می‌توان آن را به ٤ کوچکتر تقسیم نمود:
۱) یوحنا فصل ۱۳ شام آخر را شرح می‌دهد.
۲) یوحنا فصل‌های ١٤ الی ۱۷ مربوط به سخنان و دعای عیسی در شام آخر می‌گردد.
۳) یوحنا فصل‌های ۱۸ الی ۱۹ رنجهای مسیح را در طول دستگیری، محاکمه ها و مصلوب شدن شرح می‌دهد.
٤) یوحنا فصل‌های ۲۰ الی ۲۱ قیام و ظهورهای عیسی را بعد از قیامش شرح می‌دهد.

پ - نتایج تعلیمی‌انجیل یوحنا

چندین آموزه مهم مسیحی در انجیل یوحنا وجود دارد. از قبیل :
۱- خدای پدر عیسی مسیح را فرستاد (یوحنا ۳: ۱۷، ۳٤-۳۵ ؛ ٤: ۳٤ ؛ ۵: ۲۳-۲٤ ؛ ٦: ۲۹، ۳۸، ۳۹، ٤٤ ؛ ۱۰: ۳٦ ؛ ۱۲: ٤٤- ٤۵ ؛ ۱۳: ۲۰ ؛ ۱۷: ۳، ۲۱، ۲۳). خدای پدر نجات را " آغاز میکند".
۲- عیسی مسیح خداست (۱: ۱، ۱۸ ؛ ۳: ۳۱، ۳٤- ۳۵ ؛ ۵: ۱۷-۲۳ ؛ ٦: ٤٦ ؛ ۸: ۱۹؛ ۲۳، ۲٤، ۵۸ ؛ ۱۰: ۳۰ ؛ ۱۲: ٤٤- ٤۵ ؛ ۱۳: ۳، ۲۰ ؛ ١٤: ۷، ۹، ۱۰ ؛۱۵: ۲۳ ؛ ۱۷: ۲، ۲٤ ؛ ۲۰: ۲۸). خدای پسر نجات را " میسر میگرداند".
۳- روح القدس وکیل مدافع (نماینده) عیسی مسیح است (یوحنا ۷: ۳۷-۳۹ ؛ ١٤: ۱٦، ۱۷، ۲٦ ؛ ۱۵: ۲٦ ؛ ۱٦: ۱۳-۱۵). خدای روح القدس نجات را " بکار میبرد".
٤- تولد دوباره (تجدید حیات)، امتیاز خدا و شرط لازم برای نجات است (یوحنا ۱: ۱۳ ؛ ۳: ۳-۸ ؛ ٦: ٤٤، ٦۵ ؛ ۱۲: ۳۲).
۵- ایمان مسئولیت انسان است و همچنین شرط لازم برای نجات می‌باشد (یوحنا ۱: ۱۲ ؛ ۳: ۱٦، ۱۸، ۳٦ ؛ ۵: ۲٤ ؛ ٦: ۲۸ - ۲۹، ۳۵، ٤۰ ؛ ۷: ۳۸ -۳۹ ؛ ۸: ۲٤ ؛ ۱۲: ۳٦، ٤٤ ؛ ١٤: ۱ ؛ ۲۰: ۲۹، ۳۱).
٦- نجات در زندگی جدیدی از ایمان (یوحنا ۳: ۱٦)، محبت (یوحنا ۱۳: ۳٤-۳۵) و امید (یوحنا ١٤: ۱-۳) متجلی می‌گردد.
۷- معجزات «نشانه‌ها» نامیده شده اند، چرا که به واقعیت‌های روحانی نجات اشاره می‌کنند. معجزه ازدیاد نان (یوحنا ٦: ۱-۱۵) نشانه ای از این است که عیسی مسیح «نان حیات » است (یوحنا ٦: ۳۵). زنده کردن ایلعازر از مردگان (یوحنا ۱۱: ۳۸-٤۷) نشانه ای از این است که عیسی مسیح «قیامت و حیات» (یوحنا ۱۱: ۲۵-۲٦) است. هدف از معجزه ها، ایجاد یا برانگیختن ایمان به عیسی مسیح می‌باشد (یوحنا ۱۲: ۳۷ ؛ ۲۰: ۳۰- ۳۱).

در این درس ما خود را به یک نتیجه تعلیمی محدود خواهیم کرد : <u>تعلیم در مورد عیسی مسیح در مقام خدا</u>

یوحنای رسول براین واقعیت که عیسی مسیح الهی است و از ازل با خدای پدر می‌زیسته، اینکه او در جسم یافتن خود واقعاً طبیعت انسانی بر خود گرفت و اینکه هیچگاه آن را کنار نگذارد، تأکید می‌کند. عیسی مسیح هم‌اکنون و تا ابد دارای طبیعت الهی و انسانی می‌باشد.

۱- <u>عیسی مسیح « کلمه خدا» است.</u>

در سخنان انسان، «کلمه» اندیشه او را متجلی می‌سازد و این اندیشه را به دیگران آشکار می‌کند. به همین صورت در یوحنا ۱: ۱ عیسی مسیح «کلمه» (یونانی: Logos) نامیده شده است، چرا که او تجلی اندیشه درونی یا فکر یا روح خدا است، و خدا را به انسان آشکار می‌سازد. عیسی مسیح تجلی قابل رؤیتِ خدای نادیده می‌باشد (کولسیان ۱: ۱۵) و بدین ترتیب خدای قادر مطلق و پرجلال را به ما انسانها در کلمات محدود انسانی ما و در تجربیات محدود انسانی ما آشکار می‌سازد. فقط عیسی مسیح با خدا حاضر بود (یوحنا ۱: ۱) تا ببیند خدای پدر چه انجام می‌دهد (یوحنا ۵: ۱۹)، و بشنود خدای پدر چه می‌گوید (یوحنا ۷: ۱٦ ؛ ۸: ۲۸ ؛ ۱۲: ٤۹-۵۰ ؛ ۱٤: ۱۰، ۲٤)، و افکار او را بداند و او را و نقشه‌اش را بشناسد (یوحنا ۷: ۲۹ ؛ ۸: ۱٤، ٥٤-٥٥ ؛ ۱۰: ۱۵ ؛ ۱۷: ۲۵)، و هر آنچه به شاگردانش داد، از خدای پدر خدای دریافت کند (یوحنا ۱۷: ۷) و آنچه را خدای پدر به او تعلیم داد تا بگوید، بیان نماید (یوحنا ۸: ۳۸). عیسی مسیح هر آنچه را که لازم بود درباره خدا و نقشه‌های او بدانیم به ما آشکار کرد. عیسی مسیح تنها کلمه خدا و کلمه نهائی خداست. او یگانه تجلی طبیعت، سخنان و اعمال خدا می‌باشد (یوحنا ۱: ۱۸). او کلمه نهایی خدا به انسان است (عبرانیان ۱: ۱-۲). بعد از عیسی مسیح هیچ نبی یا مکاشفه جدیدی از خدا وجود ندارد.

۲- <u>عیسی مسیح « پسر خدا» می‌باشد.</u>

الف) <u>پسر خدا</u>
اصطلاح پسر خدا به این معنی نیست که او پسر جسمانی خدا است، بلکه بیانگر این مفهوم است که خود خدای نادیده، طبیعت انسانی بر خود گرفت، در و به‌واسطه عیسی مسیح وارد خلقت خویش و تاریخ بشری گشت. کتاب مقدس صحبت از سه نوع «پسر» می‌کند.
۱) <u>واژه «پسر» به پسر جسمانی یا نسل اشاره می‌کند.</u> یوحنا ۳: ٦ می‌گوید، « آنچه از جسم مولود شد، جسم است». این درواقع بیان می‌کند که یک طفل جسمانی از والدین جسمانی متولد می‌گردد. اگر چه عیسی مسیح همچون یک انسان جسمانی از مادر جسمانی، مریم باکره، متولد شد، طبیعت جسمانی او از هیچ پدر جسمانی ناشی نگردید. عیسی مسیح در هیچ معنا از نظر جسم بوجود نیامد، چرا که خدا بدن جسمانی ندارد. بدن جسمانی عیسی مسیح، بدن خدا نیست. روح القدس بدن جسمانی عیسی مسیح را خلق کرد (لوقا ۱: ۳۵). عیسی مسیح، خدای سرمدی است، اما طبیعت خلق شده انسانی را بر خود گرفت و وارد جهان خلق شده خود و تاریخ آن در زمان گردید. در کنار طبیعت جاودانی الهی، عیسی مسیح اکنون دارای طبیعت انسانی که کاملاً بی گناه است، می‌باشد.
۲) <u>واژه «پسر» به پسر روحانی اشاره می‌کند.</u> یوحنا ۳: ٦ می‌گوید «آنچه از روح مولود گشت، روح است». کتاب مقدس به صراحت بین پسر جسمانی و پسر روحانی تفاوت و تمایز قائل می‌گردد. عیسی پسر جسمانی خدا نیست، بلکه پسر روحانی خدا است. عیسی مسیح از طبیعت الهی برخوردار است. عیسی مسیح فروغ جلال خدا است (از صفات الهی برخوردار است) و مظهر کامل وجود الهی است (کولسیان ۱: ۱۵ ؛ ۲: ۹ ؛ عبرانیان ۱: ۳).
۳) <u>واژه «پسر» به یک پسر نمادین اشاره می‌کند.</u> لوقا ۱٦: ۸ مسیحیان را «پسران نور» می‌نامد؛ این بدان معناست که خصوصیات ذاتی آنها «نور» است و متعلق به جماعتی هستند که در نور قدم می‌زنند. به همین صورت عیسی مسیح «پسر خدا» نامیده شده است، چرا که او ذات الهی طبیعت و خصوصیات خدا را بیان می‌کند.
<u>نتیجه گیری:</u> بنابراین واژه «پسر خدا» بیان‌کننده این حقیقت است که "خدای نادیده" با گرفتن طبیعت انسانی به خود از طریق مریم باکره و وارد شدن به خلقت خویش و تاریخ بشری، خود را در "خدای دیدنی" مکشوف ساخت.

ب) <u>پسر یگانه خدا</u>
در یوحنا ۱: ۱۸ این واژه به چیزی مشابه در جهان انسانی اشاره نمی‌کند. همچنین به هیچ آغازی در جای در گذشته اشاره نمی‌نماید. بلکه واژه ای است که پسر بودن مسیح در تثلیث را شرح می‌دهد. یوحنا ۳: ۱٦ ثابت می‌کند که عیسی مسیح تنها پسر یگانه پدر قبل از جسم یافتنش بود (قبل از اینکه طبیعت انسانی به خود بگیرد). بنابراین کلمات «پسر یگانه» هرگز نمی‌تواند به تولد او به عنوان یک وجود انسانی اشاره کند، بلکه بیشتر به رابطه ابدی با خدای پدر قبل از اینکه همچون یک وجود انسانی بر روی زمین متولد گردد، اشاره دارد.
در معتبرترین و قدیمی‌ترین نسخ خطی کتاب مقدس، در یوحنا ۱: ۱۸ به جای «پسر یگانه» آمده: «خدای یگانه». از آنجا که «خدا» ابدی است، واژه « یگانه» باید به پسر بودن در تثلیث اشاره کند. در نتیجه «پسر یگانه» به این معناست که عیسی مسیح از ازل پسر خداست. از ازل خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس در این رابطه بی همتا و بی نظیر با یکدیگر می‌زیستند. فقط یک خدا وجود دارد (مرقس ۱۲: ۲۹؛ «یک نام»، متی ۲۸: ۱۹) و او روح است (یوحنا ٤: ۲٤). با وجود این، خدای یگانه

خود را به ما بصورت خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس آشکار کرد (متی ۲۸: ۱۹). او به ما آشکار کرد که در طبیعت الهی خدا یک تمایز درونی وجود دارد که فراتر از توانائی درک ما می‌باشد و لازم است مطیع آن شویم. هیچکس و هیچ مذهبی خدای پدر را نمی‌شناسد جز خدای پسر و اشخاصی که او انتخاب کرده تا او را به آنها آشکار سازد (متی ۱۱: ۲۵ - ۲۷ ؛ یوحنا ۱۰: ۱۵ ؛ ۱۷: ۲۵-۲۶).

۳- <u>عیسی مسیح «در خود حیات دارد».</u>

در یوحنا ٥: ٢٦ عیسی می‌فرماید: «همچنان که پدر در خود حیات دارد، همچنین پسر را نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد». این آیه همچنین رابطه پسر بودن مسیح را در تثلیث شرح می‌دهد. بشر و سایر مخلوقات این «حیات را در خود» ندارند، چرا که آنها مخلوق می‌باشند و حیات و زندگی خود را از خالق خویش می‌گیرند. اما خدای پدر و عیسی مسیح این «حیات را در خود» دارا می‌باشند.
هیچکس جز خدای پدر این «حیات را در خود» بطور ذاتی ندارد، چرا که او فقط «تولید نشده و خلق نشده» است. او در وجود واقعی خود «خدای زنده » و کاملاً قائم به ذات است. اما خدای پدر امتیاز انحصاری «برخورداری از حیات» را از ازل به خدای پسر اعطا کرد. این معنی "پسر یگانه" می‌باشد. عیسی مسیح «صادر شده است، نه مخلوق»؛ « صادر شده» بدین معناست که خدای پدر این «برخورداری از حیات» را در ازل قبل از خلقت کائنات و زمان، به خدای پسر ارزانی داشت. درضمن، این امر به‌هنگام جسم یافتن یا تعمید آب عیسی روی نداد. این عملی ازلی است و قسمتی از رابطه بی‌همتای «خدای پدر- خدای پسر» می‌باشد، که از ازل و از آغاز وجود داشت. "در ترتیب ابدی"، خدای پدر این «برخورداری از حیات» را به خدای پسر ارزانی داشت و "در ترتیب زمانی"، خدای پسر این «حیات» را به انسانهای روی زمین آشکار می‌نماید. در اول یوحنا ۱: ۲ خدای پسر، به صورت حیات جاودانی جسم یافته که « نزد پدر بود و بر ما ظاهر شد» به تصویر کشیده شده است.

٤- <u>عیسی مسیح «حیات » و «نور» است.</u>

در یوحنا ۱: ٤-۹ عیسی مسیح حیات نامیده شده است، چرا که او از خصوصیات الهی برخوردار می‌باشد؛ همچنین نور نامیده شده است، چرا که او خصوصیات خدا را نشان می‌دهد یا آشکار می‌کند یا بگونه‌ای قابل رؤیت متجلی می‌سازد. کلمه حیات اشاره به پری جوهر خدا، به خصوصیات پر جلال خدا، از قبیل حقیقت که معرفت، حکمت و امانت اوست و همچنین قدرت مطلق، حضور او در همه جا، قدوسیت وی، محبت وی، حاکمیت وی بر همه امور و غیره می‌نماید.
زمانی که این حیات آشکار شد، پس از آن «نور» نامیده شد. بنابراین عیسی مسیح تجلی قابل رؤیت یا مکاشفه خدای نادیده و خصوصیات پرجلال وی می‌باشد. برای مثال فقط می‌توانیم خدای نادیده، حیات و محبت او را از طریق عیسی مسیح بشناسیم و تجربه کنیم (یوحنا ٥: ۲۱ ؛ ١٤: ٦ ؛ متی ۱۱: ۲۷).

٥- <u>عیسی مسیح با خدای پدر یکی است.</u>

در یوحنا ٥ :۱۷-۲۳ عیسی ادعاهای خاصی در مورد خود نمود. یهودیان در مورد عیسی دچار سوء تعبیر نگردیدند، بلکه ادعاهای او را رد کردند.

الف) <u>عیسی مسیح ادعا کرد که در ذات با خدای پدر برابر است (یوحنا ٥: ۱۷-۱۸).</u>
عیسی خدا را «پدر خود» نامید. یهودیان فوراً فهمیدند که عیسی مسیح در بالاترین مفهوم آن واژه برای خود ادعای الوهیت می‌کند. آنها فهمیدند که عیسی مسیح ادعا کرد که در ذات با خدای پدر برابر است. این ادعای عیسی مسیح یا شریرانه‌ترین کفر بود که می‌بایست با مرگ مجازات شود، یا پرجلال‌ترین حقیقت بود که می‌بایست با ایمان پذیرفته شود. خدای پدر و خدای پسر هر دو از یك طبیعت برخوردارند. علاوه بر این، عیسی مسیح ادعا کرد که در کار نیز با خدای پدر برابر است. عیسی مسیح دقیقاً مانند خدای پدر، همیشه کار می‌کند و از کائنات نگهداری می‌کند (عبرانیان ۱: ۳ ؛ کولسیان ۱: ۱۷) و انسان را از گناه نجات می‌بخشد (اشعیا ٤۳: ۱۰-۱۱؛ لوقا ۱۹: ۱۰ ؛ یوحنا ۱۰: ۹). این ادعای عیسی مسیح دلیل واقعی قصد یهودیان برای کشتن او بود (یوحنا ۱۰: ۲۸-۳۱).

ب) <u>عیسی مسیح ادعا کرد که در اعمال نیز با خدای پدر برابر است</u> (٥: ۱۹-۲۲).
او فرمود: «پسر از خود هیچ نمی‌تواند کرد، مگر آنچه بیند که پدر به عمل آورد، زیرا که آنچه او می‌کند، همچنین پسر نیز می‌کند». اعمالی که از خدای پدر سرچشمه می‌گیرد، در خدای پسر متجلی می‌شود. پسر آنچه را پدر به او نشان می‌دهد، می‌بیند، و سپس با سخن و عمل خود فکر پدر را آشکار می‌سازد. پسر اراده پدر را درک کرده و سپس آن را اجرا می‌کند. دو عملکرد بطور خاص مورد تأکید قرار دارند:
۱) <u>زنده کردن مردگان</u>
۲) <u>اِعمال داوری</u>

عیسی مسیح ادعا می‌کند که همانند خدای پدر، همان اقتدار را دارد که حیات جاودانی روحانی را به مردمی که اکنون از نظر روحانی مرده اند منتقل کند، و به‌هنگام قیامت در آینده نیز زندگی جسمانی ابدی را به انسانهایی که از نظر جسمانی مرده اند، عطا کند. عیسی مسیح همچنین ادعا کرد که خدای پدر تمام داوری نهایی را به او بخشیده تا خدای پسر حرمتی را دریافت کند که به خدای پدر تقدیم می‌شود.

پ) عیسی مسیح ادعا کرد که در حرمت با خدای پدر برابر است (یوحنا ٥: ٢٣)
او فرمود: «تا آنکه همه پسر را حرمت بدارند، همچنان که پدر را حرمت می‌دارند، و کسی که به پسر حرمت نکند، به پدری که او را فرستاد احترام نکرده است». از آنجا که عیسی مسیح تا به مرگ مطیع گردید، خدای پدر به او نامی را بخشید که برتر از هر نام دیگری است. نام عیسی مسیح برتر از نام هر انسانی، برتر از نام هر رهبر سیاسی و برتر از نام هر پیامبری می‌باشد. در نام عیسی مسیح هر زانویی در هر مملکتی باید خم شود و هر زبانی اعتراف کند که عیسی مسیح خداوند است (فیلیپیان ٢: ٩-١١). این احترام و حرمت فقط متعلق به خداست (اشعیا ٤٥: ٢١-٢٣). بنابراین زمانی که عیسی مسیح همین احترام را دریافت می‌کند، جلال خدا کاسته نمی‌شود یا به " شخصی دیگر" غیر از خدا بخشیده نمی‌شود. برعکس، جلال خدا فزونی می‌یابد چرا که عیسی مسیح این احترام و حرمت را « برای جلال خدای پدر» دریافت می‌کند (فیلیپیان ٢: ١١). هر گاه خدای پسر بر افراشته می‌شود، خدای پدر جلال می‌یابد. هیچ نام دیگری زیر آسمان به انسانها داده نشده است که به آن نجات یابند (اعمال ٤: ١٢).

ت) عیسی مسیح ادعا کرد که با خدای پدر یک است (یوحنا ١٠: ٣٠-٣٣)
او فرمود: «من و پدر یک هستیم». عیسی مسیح فقط به این حقیقت اشاره نکرد که خدای پدر و خدای پسر در ظاهر یک هستند، یا به عبارت دیگر در اهدافی که دارند یک هستند و یا در اعمالی که انجام می‌دهند یک هستند. او به صراحت و آشکارا به این حقیقت اشاره کرد که ایشان در ماهیت و طبیعت درونی یک هستند. وقتی او می‌فرماید: «من و پدر یک هستیم»، از دو شخص سخن می‌گوید، یعنی از تمایزی داخلی در درون وجود الهی. وقتی می‌گوید «یک»، منظورش یک ذات و یک وجود الهی است. عیسی تعلیم می‌دهد که خدای پدر و خدای پسر دو شخص هستند، اما یک جوهر را تشکیل می‌دهند. اگر چه کتاب مقدس لغت «تثلیث» را بکار نبرده، اما به وضوح آموزه تثلیث را تعلیم می‌دهد، بدین معنا که خدای کتاب مقدس خود را به صورت خدای واحد در ذات مکشوف ساخته که به صورت يك خدا در سه شخصیت قابل تمایز است.
از دیدگاه آسمانی، خدای واحد ابدی و زنده کتاب مقدس خود را به عنوان یک وجود الهی که دارای سه تمایز درونی است، آشکار کرد، یعنی به صورت:
١) خدای پدر که در آسمان بالای همه ما خداست (اول تیموتاؤس ٦: ١٥-١٦)؛
٢) خدای پسر که طبیعت انسانی به خود گرفت و وارد جهان و تاریخ ما گشت (فیلیپیان ٢: ٥-١١)؛
٣) و خدای روح القدس که اکنون در بدن ایمانداران و کلیسا زندگی می‌کند (اول قرنتیان ٦: ١٩-٢٠ ؛ افسسیان ٢: ٢٢).
از دیدگاه زمینی، مسیحیان یک وجود الهی را که سه تمایز درونی دارد پرستش و عبادت می‌کنند:
١) مسیحیان به خدا به‌عنوان خدای پدر دعا می‌کنند (متی ٦: ٩ ؛ افسسیان ٣: ١٤-١٥) و برای جلال خدای پدر زندگی می‌کنند (رومیان ١١: ٣٦ ؛ اول قرنتیان ١٠: ٣١).
٢) مسیحیان خدا را از طریق خدای پسر می‌شناسند و به او نزدیک می‌شوند (اول تیموتاؤس ٢: ٥). ایشان بوسیله قربانی کفاره‌ای خدای پسر عادل می‌شوند و با خدا مصالحه می‌کنند، و نجات می‌یابند (اول تیموتاؤس ٢: ٦ ؛ رومیان ٣: ٢٤-٢٥ ؛ ٥: ٩-١٠).
٣) و مسیحیان از طریق خدای روح القدس به قوت زورآور شده (افسسیان ٣: ١٦) و تقدیس شده یا به شباهت خدا متبدل می‌گردند (دوم قرنتیان ٣: ١٨).
در متی ٢٨: ١٩ ؛ رومیان ٨: ٩-١٠ و افسسیان ٣: ١٤- ٢١ می‌توانید مطالب بیشتری درباره اتحاد و یگانگی بین خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس بیابید.
یوحنا ١٠: ٣٠ بسیار مهم است، چرا که هم از وحدت در ذات خدا دفاع می‌کند و هم از تفاوت و تمایز سه شخصیت در خدا. این آیه تعلیم غلط پیروان سابلیوس (یک لیبیایی در قرن سوم میلادی) را رد می‌کند که معتقد به یگانگی خدا بود، اما تمایز و تفاوت سه شخصیت را در خدا انکار می‌کرد. سابلیوس، خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس را به عنوان صرفاً سه تجلی از خدا توصیف می‌کرد به همان صورتی که خورشید و نور آن و گرمایش، سه تجلی از همان واقعیت هستند. این آیه همچنان تعلیم غلط پیروان آریوس (یک لیبیائی در قرن ٤ میلادی) که معتقد به اطاعت و انقیاد خدای پسر از خدای پدر بود، اما یگانگی ذات خدا را انکار می‌کرد، رد می‌نماید. در یوحنا ١٠: ٣١-٣٣ یهودیان بسیار خوب فهمیدند که عیسی مسیح برابری مطلق و کامل خود را با خدا اذعان می‌دارد، چرا که آنها دوباره سخن او را توهین به مقدسات و کفر گویی پنداشتند. از این رو در یوحنا ٨: ٢٤ عیسی مسیح به یهودیان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «اگر باور نکنید که من هستم، در گناهان خود خواهید مرد». عبارت «من هستم» دقیقاً همانی است که در خروج ٣: ١٤-١٥ بکار رفته است، جایی که خدا نام خود را به صورت «من هستم آنکه هستم» آشکار می‌کند. کافی نیست که مردم ایمان بیاورند که عیسی مسیح یک نبی یا مردی نیکو بود. نه. تا زمانی که انسان ایمان نیاورد که عیسی مسیح همانی است که ادعا می‌کرد، مسلماً در گناهان خود خواهد مرد. به عبارت دیگر آنها مطمئناً به آسمان یا بهشت نخواهند رفت، بلکه بطور قطع به جهنم خواهند رفت. ایمان آوردن به اینکه عیسی مسیح کاملاً با خدای پدر برابر است، مطلقاً ضروری است.

٦- عیسی مسیح دارای دو طبیعت است: او خدای واقعی و انسان واقعی است.

در یوحنا ١٤: ٢٨-٢٩ عیسی مسیح می‌فرماید: «اگر مرا محبت می‌نمودید، خوشحال می‌گشتید که گفتم نزد پدر می‌روم، زیرا پدر بزرگتر ازمن است. و الان قبل از وقوع به شما گفتم تا وقتی که واقع گردد ایمان آورید». اگر این آیه جدا از بقیه کتاب مقدس تفسیر گردد، ممکن است این نتیجه حاصل شود که عیسی خدا نیست و یا با خدای قادر مطلق یکی نمی‌باشد. این نتیجه‌گیری اشتباه است، چرا که وقتی این آیه در متن انجیل یوحنا تفسیر می‌گردد، آشکار است که عیسی در اینجا به طبیعت الهی خود اشاره نمی‌کند، بلکه بطور خاص به طبیعت انسانی خود.
به چه طریقی خدای پدر از عیسی بزرگتر است؟ طبق یوحنا ١٠: ٣٠، عیسی در مقام پسر صادرشده خدا، به‌لحاظ ذات با خدای پدر کاملا برابر است. این نکته در فیلیپیان ٢: ٦ و کولسیان ٢: ٩ و عبرانیان ١: ٣ نیز تعلیم داده شده است. اما بر اساس یوحنا ١٤: ٢٨، او در مقام شفیع بین خدا و انسان، یک انسان است و در نتیجه در مقام یک انسان، فرمانبردار و پایین‌تر از خدای پدر می‌باشد. طبیعت الهی خدا بسیار بزرگتر از طبیعت انسانی عیسی مسیح است. این حقیقت همچنین در یوحنا ١٠: ٢٩ ؛ اول قرنتیان ١٥: ٢٨ و فیلیپیان ٢: ٧-٨ تعلیم داده شده است.
عیسی مسیح دو طبیعت دارد :به عنوان خدا کاملاً با خدای پدر برابر است و به عنوان انسان فرمانبردار و پائین‌تر از خدای پدر می‌باشد. اما از آنجا که دو طبیعت عیسی مسیح هرگز از یکدیگر جدا نمی‌گردند، و چون او هرگز از خدای پدر و خدای روح‌القدس جدا نمی‌گردد، در نتیجه مسیحیان باید عیسی مسیح را به عنوان «تجلی دیدنی خدای قادر مطلق نادیدنی» مد نظر قرار دهند.
این حقیقت که عیسی مسیح «تجلی دیدنی خدای قادر مطلق نادیدنی» است، تعلیم روشن عهد عتیق و عهد جدید می‌باشد. در اشعیا ١٠: ٢٠-٢٣، خداوند (JaHWeH)، قدوس اسرائیل، «خدای قدیر» (عبری: El Gibor) و همچنین «خداوند، خداوند قادر مطلق» (عبری: Adonai Jahweh Tsibaoth ، خداوند خدای فرشتگان و لشکرهای آسمانی) نامیده شده است. در اشعیا ٩: ٦، عیسی مسیح «خدای قدیر» (عبری: El Gibor) و در مکاشفه ١: ٨ «قادر مطلق» (یونانی: Pantokrator ، که ترجمه یونانی از کلمات عبری El Tisboath و El Shaddai در ترجمه یونانی عهد عتیق می‌باشد) نامیده شده است. در مکاشفه ١: ٨ آمده: «من هستم الف و یا، اول و آخر، می‌گوید آن خداوند، خدا، که هست و بود و می‌آید، قادر مطلق». مکاشفه ١: ٧، ١٢ اثبات میکند که در مکاشفه ١: ٨، خود عیسی مسیح سخن می‌گوید. با مقایسه مکاشفه ١: ٤ با مکاشفه ١: ٨ می‌توانیم ببینیم که عیسی مسیح ادعا می‌کند که او و خدای پدر یک هستند (یوحنا ١٠: ٣٠) و او مکاشفه کامل، بی‌عیب و جاودانی خدا به انسانهاست (کولسیان ١: ١٥ ؛ عبرانیان ١: ٣).
بنابراین، مباد که شخصی با قرار دادن عیسی مسیح پائین‌تر از خدای پدر، او را بی‌حرمت نماید. یوحنا ٥: ٢٣ تعلیم می‌دهد که همه انسانها می‌باید خدای پسر را حرمت دارند به همان صورتی که خدای پدر را حرمت می‌دارند. هرکه خدای پسر را حرمت نکند، به خدای پدر احترام نکرده است.

ت - درسهای عملی از انجیل یوحنا

درسهای عملی بسیاری در انجیل یوحنا برای آموختن وجود دارد. در این درس ما فقط درسهایی عملی را درباره پیام انجیل، بشارت و تنها راه به سوی خدا فهرست می‌کنیم. پیام انجیل شامل پنج حقیقت می‌گردد. حقیقت درباره خدا، حقیقت درباره انسان، حقیقت درباره عیسی مسیح، حقیقت درباره نجات و حقیقت درباره زندگی تازه در مسیح.

١- حقیقت درباره خدا

یوحنا ١: ١، ١٤، ١٨ تعلیم می‌دهد که خدای پدر خود را در خدای پسر آشکار می‌کند. اول یوحنا ١ :٥ تعلیم می‌دهد که خدا نور است و یوحنا ٣: ١٩ تعلیم می‌دهد که نور به این جهان آمده است. یوحنا ٤: ٢٣-٢٤ تعلیم می‌دهد که خدا روح است و پرستندگانش می‌باید او را به روح و راستی پرستش نمایند. یوحنا ٣: ١٦ و اول یوحنا ٤: ٨-٩ تعلیم می‌دهد که خدا محبت است و خدا محبت خود را در میان ما بوسیله فرستادن یگانه پسر خود به جهان نشان داد تا در وی زیست نماییم. یوحنا ٦: ٣٥-٤٦ تعلیم می‌دهد که خدای پدر مقتدرانه انسانها را به عیسی مسیح می‌بخشد و بگونه‌ای مقاومت‌ناپذیر ایشان را به سوی مسیح می‌کشاند.

٢- حقیقت درباره انسان

یوحنا ١: ١٠- ١١ تعلیم می‌دهد که دنیا عیسی مسیح را نشناخت یا نپذیرفت. یوحنا ٣: ٣- ٨ تعلیم میدهد که انسان طبیعی گمشده است و نمی‌تواند وارد ملکوت خدا گردد. انسان باید برای نجات یافتن دوباره متولد شود. یوحنا ٣: ١٦- ١٨، ٣٦ تعلیم می‌دهد که تمام بی‌ایمانان گمشده هستند. آنها قبلاً محکوم شده اند و زیر خشم وغضب خدا قرار دارند. انسان باید به مسیح ایمان بیاورد تا نجات یابد. یوحنا ٨: ٢١- ٢٤ تعلیم می‌دهد هر شخصی که ایمان نیاورد، خواهد مرد. یوحنا ٩: ٣٩- ٤١ تعلیم می‌دهد هر شخصی که گناه خود را اعتراف نکند، از نظر روحانی کور و گمشده است.

۳- حقیقت درباره عیسی مسیح

یوحنا ۱: ۲۹ تعلیم میدهد که عیسی مسیح بره خداست که گناه جهان را بر می‌دارد. یوحنا ۳: ۱٤-۱۵ و یوحنا ۱۲: ۲۳- ۲٤ تعلیم میدهد که عیسی مسیح باید بر روی صلیب بمیرد. بدون کفاره قربانی‌کننده او برای گناهان، هیچ انسانی نمی‌تواند نجات یابد. یوحنا ۱٤: ٦ تعلیم میدهد که عیسی مسیح تنها راه بسوی خدای پدر است، و نیز یگانه مکاشفه (حقیقت) از آنچه خدای پدر هست و تنها بخشنده حیات جاودانی. یوحنا ۱۰: ۷-۱۰ تعلیم می‌دهد که عیسی مسیح تنها در است و هر که از آن وارد گردد، نجات خواهد یافت.

٤- حقیقت درباره نجات

یوحنا ۱: ۱۲ تعلیم می‌دهد که عیسی مسیح به همه اشخاصی که به او ایمان بیاورند و این امر را با پذیرفتن او نشان دهند، این حق را داد که فرزند خدا باشند و هر چه بیشتر فرزند خدا گردند (مکاشفه ۳: ۲۰). یوحنا ۳: ۱٦- ۱۸ تعلیم میدهد هر شخصی که به عیسی مسیح ایمان آورد دیگر بر او حکم نخواهد شد، بلکه حیات جاوید خواهد داشت و در نتیجه تا به آخر نجات یافته است. یوحنا ٦: ٤۰ تعلیم میدهد هر شخصی که به عیسی مسیح نگاه کند و به او ایمان آورد، حیات جاودانی خواهد داشت. یوحنا ۸: ۵۱ تعلیم میدهد، هر شخصی که کلام عیسی مسیح را حفظ کند مرگ جاودانی را که همان جهنم است هرگز نخواهد دید. یوحنا ۱۲: ۳۷- ٤٦ تعلیم میدهد که خدا هر شخص را مسؤول ایمان یا بی‌ایمانی خود می‌داند.

۵- حقیقت درباره زندگی تازه در مسیح

یوحنا ۵: ۲٤ تعلیم میدهد که هر شخصی که پیام انجیل را بشنود و ایمان بیاورد، حیات جاودانی دارد و هرگز در داوری نهائی محکوم نخواهد بود و قبلاً از مرگ ابدی به حیات جاودانی منتقل شده است. یوحنا ۱۰: ۲٦- ۲۹ تعلیم میدهد که هر شخصی که به عیسی مسیح ایمان آورد هرگز هلاک نخواهد شد و خدای قادر مطلق او را در دستهای خود محکم نگاه خواهد داشت. یوحنا ۱۰: ۲۷- ۲۸ درباره اطمینان نجات برای پیروان عیسی مسیح تعلیم می‌دهد. یوحنا ۱۵: ۱- ۱۷ تعلیم می‌دهد که زندگی و حیات تازه در عیسی مسیح به‌واسطه یک رابطه شخصی مداوم با عیسی مسیح متجلی می‌گردد که میوه بیشتر و دائمی برای عیسی مسیح می‌آورد و بدین گونه باعث جلال بیشتر خدا می‌گردد. یوحنا ۱۱: ۲۵- ۲٦ درباره اطمینان ایمانداران به قیامت در عیسی مسیح به‌هنگام بازگشت او تعلیم می‌دهد.

٦- بشارت

یوحنا ۱: ۳۹، ٤۳، ٤٦ تعلیم می‌دهد که باید از مردم دعوت کنید که «بیایند و ببینند» که عیسی مسیح در میان مسیحیان کیست و از او «پیروی» کنند. یوحنا ٤ تعلیم می‌دهد که هرگز نباید مردم را مجبور ساخت بلکه باید ایشان را به سوی عیسی مسیح جلب کرد. و یوحنا ٤: ۳۵- ۳۸ تعلیم میدهد که خدا به انواع مختلف مبشرین نیاز دارد: آنهایی که بذر انجیل می‌پاشند و آنهایی که محصول را درو می‌کنند. یوحنا ۹ تعلیم می‌دهد که باید به تمامیت وجود انسان، هم روح و هم جسم او توجه داشت.

۷- تنها راه بسوی خدا

کتاب مقدس به صراحت تعلیم می‌دهد که عیسی مسیح تنها راه به سوی خدا است.
آنکه عیسی مسیح را بپذیرد، خدا را پذیرفته است (متی ۱۰: ٤۰). هرکه عیسی مسیح را رد کند، خدا را رد کرده است (لوقا ۱۰: ۱٦). هرکه عیسی مسیح راحرمت دارد، خدا را احترام کرده است (یوحنا ۵: ۲۳). هر که عیسی مسیح را حرمت نکند، خدا را احترام نکرده است (یوحنا ۵: ۲۳). فقط کسی به سوی مسیح می‌آید که خدا او را به عیسی مسیح عطا کرده باشد، و مسیح هرگز او را بیرون نخواهد کرد (یوحنا ٦: ۳۷، ٤٤). هر که عیسی مسیح را بشناسد، خدا را شناخته است (یوحنا ۸: ۱۹). آنکه عیسی مسیح را محبت کند، خدا را محبت کرده است (یوحنا ۸: ٤۲). هرکه به عیسی مسیح ایمان آورد به خدا ایمان آورده است (یوحنا ۱۲: ٤٤). هر که به سخنان عیسی مسیح گوش دهد، به سخنان خدا گوش داده است (یوحنا ۱۲: ٤۷-۵۰). آنکه عیسی مسیح را قبول کند، خدا را قبول کرده است (یوحنا ۱۳: ۲۰). هر که عیسی مسیح را دید، خدا را دیده است (یوحنا ۱٤: ۹-۱۰). هر که احکام و تعالیم عیسی مسیح را اطاعت کند، خدا او را محبت میکند و به سوی او آمده، در وی مسکن می‌گیرد (یوحنا ۱٤: ۲۱، ۲۳). عیسی مسیح حیات جاودانی می‌بخشد، خدا را آشکار می‌سازد و برای اشخاصی که خدا به او داده است، دعا می‌کند (یوحنا ۱۷: ۲، ٦، ۹). هر که عیسی مسیح را اعتراف کند، خدا را اعتراف کرده است (اول یوحنا ۲: ۲۳) و هر که عیسی مسیح را انکار کند، خدا را انکار کرده است (اول یوحنا ۲: ۲۳) . هر که عیسی مسیح را اعتراف و اقرار کند، خدا در او و او در خدا ساکن است است (اول یوحنا ٤: ۱۵). هر که عیسی مسیح را محبت نماید، خدا را محبت کرده است (اول یوحنا ۵: ۱). هر که در تعلیم عیسی مسیح ثابت نباشد، خدا را ندارد (دوم یوحنا ۹).

ث- کاربرد انجیل یوحنا

انجیل یوحنا برای مردم روزگار ما بسیار مهم می‌باشد. این انجیل بطور خاص توضیح می‌دهد که عیسی مسیح کیست، چه کاری انجام داده و چگونه انسانها می‌توانند با او رابطه‌ای شخصی داشته باشند. این انجیل درباره کار روح‌القدس و شیوه زندگی مسیحیان تعلیم میدهد. همچنین اصول مفید بسیاری را برای بشارت تعلیم میدهد.

٥	دعا (٨ دقیقه) **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

٦	تکلیف منزل (٢ دقیقه) **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
به تعهد خود در خصوص بررسی کتاب‌مقدس در هر هفته ادامه دهید. هر هفته یك فصل یا نصف فصل را از کتاب‌مقدس بررسی کنید و از روش "پنج قدم" استفاده کنید. بهترین روش این است که کتاب‌مقدس را با هم در گروههای کوچك بررسی کنید.
٢ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " خلاصه انجیل یوحنا " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
٣ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از پیدایش ٢٢، ٢٤، ٢٧، ٢٨ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب یا روش طرح پرسش استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (ورود به ملکوت خدا - یوحنا ٣: ٣، ٥) را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
٥ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ٣).
٦ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.